فهرست

[پیشگفتار 2](#_Toc89958659)

[بررسی وظیفه تربیتی از مناظر مختلف 2](#_Toc89958660)

[حوزه تربیت اجتماعی از نگاه فقهی 3](#_Toc89958661)

[سیره عقلا 5](#_Toc89958662)

[شروط سیره عقلا 5](#_Toc89958663)

[شرط اول؛ کشف موافقت شارع 5](#_Toc89958664)

[شرط دوم؛ استمرار سیره 6](#_Toc89958665)

[شرط سوم؛ عدم ردع سوی شارع 6](#_Toc89958666)

[نکته دیگر در شرط عدم ردع 6](#_Toc89958667)

[چند محور مقدماتی در سیره عقلا 6](#_Toc89958668)

[بیان مقدمه در قالب استدلال 7](#_Toc89958669)

[پاسخ به سؤالات 8](#_Toc89958670)

**بسم الله الرحمن الرحیم**

**الحمد لله رب العالمین و صلاة و السلام علی سیدنا و نبینا محمد و علی آله الأئمة المعصومین سیما بقیة الله فی الارضین بهم نتولی و من اعدائهم نتبرء**

**رَبِّ اشْرَحْ لي‏ صَدْري‏ وَ يَسِّرْ لِي أَمْرِي وَ احْلُلْ عُقْدَةً مِنْ لِسَانِي يَفْقَهُوا قَوْلِي**

# پیشگفتار

ضمن سلام خدمت دوستان و بزرگواران عزیز

بحث وظیفه والدین در حوزه تربیت اجتماعی و سیاسی فرزندان از منظر فقهی

از نگاه فقهی بخواهیم به حوزه تربیت اجتماعی و سیاسی فرزندان نگاه بکنیم نقش خانواده به عنوان یکی از عوامل، در کنار حکومت و در کنار علما، در کنار معلمین هر یک از اینها وظیفه‌ای دارند در حوزه اجتماعی و سیاسی و بخصوص خانواده را ما می‌توانیم اینجا در واقع یک نقش ویژه در نظر بگیریم.

چرا خانواده در حوزه تربیت اجتماعی و سیاسی یک نقش ویژه‌ای دارد؟

ما حوزه‌های مختلف تربیت را بر اساس یک نیازهای طبیعی که افراد دارند می‌توان سامان داد، یکی از نیازهای طبیعی در همه انسان‌ها آن حس ارتباط و پیوند با دیگران هست که در تربیت همه ما قرار داده شده است و حالا والدین در خصوص پرورش این حس موقعیت بسیار برجسته و ویژه‌ای دارند از این لحاظ است که ما می‌گوییم نقش والدین در حوزه پرورش سیاسی و بخصوص پرورش اجتماعی حائض اهمیت و مهم است. با این توضیح مقدماتی خدمت شما می‌گویم که خانواده و والدین می‌توانند آن عناصر مهمی که در حوزه تربیت اجتماعی و سیاسی برای ما مهم است مثل پرورش حس احترام به دیگران، پرورش حس التزام به حقوق و مسئولیت‌های اجتماعی و پرورش روحیه تعاون اجتماعی و پرورش حس و روحیه مشارکت در امور اجتماعی و سیاسی و بخصوص روحیه پرهیز از بی‌تفاوتی.

خانواده فضایی که در واقع محیط خانواده و شرایطی که خانواده و فرزندان در واقع به لحاظ امتداد دوره طولانی که فرزندان در بدو تولد در کنار والدین هستند تا در واقع سال‌های دوره کودکی و نوجوانی و حتی در بعضی دوره جوانی در کنار خانواده هستند و خانواده به لحاظ پاسخ‌هایی که می‌تواند به نیازهای مختلف کودکان در حوزه عاطفی در حوزه مادی، نیازهای متنوعی را می‌تواند برآورده کند در این جهت هم یک جایگاه برجسته و ویژه‌ای دارد و بر همین اساس برخی از آسیب‌هایی که ما در حوزه اجتماعی و سیاسی دچار آن هستیم برمی‌گردد به آن اقداماتی که در خانه و خانواده از ابتدا صورت نگرفته است.

# بررسی وظیفه تربیتی از مناظر مختلف

این‌که وظیفه تربیتی در حوزه اجتماعی و سیاسی را از منظرهای مختلف می‌توانیم بررسی بکنیم .

از منظر جامعه‌شناسی جامعه‌شناسان می‌توانند این مسئله را بررسی بکنند که ما چگونه می‌توانیم نسلی را پرورش بدهیم که جامعه‌پذیر باشد حالا از نگاه آنها.

در حوزه تفسیر ما چگونه می‌توانیم نسلی را پرورش بدهیم که او صلاحیت‌های اجتماعی لازم را داشته باشد.

در حوزه اخلاق همین‌طور آن اخلاقیات اجتماعی را داشته باشد

در هر حوزه‌ای متناسب با ادبیات آن حوزه می‌توانیم نگاهی به حوزه اصلاح ارتباطات اجتماعی و رعایت مسئولیت‌های اجتماعی داشته باشیم یکی از قلمروهایی که صاحب‌نظران می‌توانند و به طور جدی لازم است در این حوزه وارد بشویم این حوزه تربیت اجتماعی از نگاه فقهی است.

# حوزه تربیت اجتماعی از نگاه فقهی

چون ما قلمرو فقه را در ارتباط با قلمرو دین در نظر می‌گیریم که قلمرو دین یک قلمرو حداکثری هست و محدودیتی ندارد همان‌طور در ساحت‌های مختلف تربیت در رفتارهای جوانحی و جوارحی ما لازم است که به فقه مراجعه بکنیم و می‌توانیم با مراجعه به ادله مستند فقهی احکام شرعی را استنباط بکنیم از جمله آنها همین حوزه اجتماعی و سیاسی است و بخصوص والدین به عنوان یک گروه از مکلفین و عوامل تعلیم و تربیت وظایف تربیتی متنوعی در قبال فرزندان خود دارند از جمله تربیت سیاسی، پرورش سیاسی و پرورش اجتماعی و زمینه‌سازی برای رشد بصیرت سیاسی در تحول اجتماعی آن‌هاست.

با این توضیح عرض می‌کنم اگر وظیفه والدین در تربیت اجتماعی و سیاسی بخواهیم بررسی بکنیم به طور اجمال، روش ورود ما به این بحث برای ارائه ادله فقهی روش بر این اساس است که ابتدا ادله و قواعد عامه را می‌توانیم در این زمینه بررسی کنیم علت این است که ما به صورت خاص مثلاً این موضوع یک مصداق خاصی ندارد فرض کنید یک وقت ما می‌گوییم پرورش روحیه نماز خواندن آنجا سراغ یک روایتی می‌رویم در آن روایت مطرح کرده است (علموا صبیانکم ...) این ورزش یا این نماز را به فرزند خود یاد بدهید ولی ما در حوزه تربیت اجتماعی و سیاسی ادله ناظر به این یک هویت جمعی را در نظر داریم یعنی تربیت اجتماعی متشکل از عناصر مختلفی است یک موضوع و مصداق واحدی نیست که دلیل خاص هم درباره آن وارد بشود.

بنابراین ابتدا ادله و قواعد عامه را بررسی می‌کنیم که حوزه آنها بسیار وسیع است و شامل قلمروهای مختلف است از جمله حوزه تربیت اجتماعی و سیاسی بعد قواعد تعلیمی و تربیتی، قواعد تربیتی و بعد قواعد تعلیمی از زوایای مختلف می‌توانیم وارد بشویم و این بحث را حکم فقهی‌اش را پیگیری بکنیم.

بخصوص این مسئله مدنظر ما وظیفه‌ای که از ادله فقهی می‌توانیم استفاده بکنیم که والدین به عنوان مکلف در این زمینه وظیفه تربیتی آنها چیست؟ از ادله عامه می‌توانیم حکم وجوب کفایی را برای والدین استفاده بکنیم. یعنی والدین نظام کارگزاران حکومتی و معلمین و عالمان دینی همه در قبال تربیت اجتماعی و سیاسی دانش آموزان و کودکان مسئولیت دارند و این مسئولیت واجب کفایی است یعنی اگر والدین نسبت به این مسئله اقدام مناسب را انجام دادند از دیگران ساقط دادند ولی اگر هیچ‌کدام انجام ندادند همه در قبال این کوتاهی مقصر هستند و معقب خواهند بود. این حکم در واقع وجوب کفایی است

این حکم اجمالی اما اگر بخواهیم سراغ ادله برویم. اشاره اجمالی به ادله می‌کنم و یک دلیل را به صورت خاص در این مسئله بررسی می‌کنیم.

مجموعه ادله‌ای که به‌گونه‌ای می‌توانند ناظر به تربیت اجتماعی و سیاسی باشند یعنی ما اگر بخواهیم وظیفه والدین را در این عرصه را استفاده بکنیم یک ادله عامه حفظ نظام است.

ما از دلیل وجوب حفظ نظام با تفاصیلی که این دلیل دارد وجوب حفظ نظام اجتماعی و پیشگیری از اختلاف در زندگی مردم، هرج و مرج و ازهم‌گسیختگی اجتماعی و در واقع منع اختلال، حرمت اختلال در زندگی اجتماعی مردم می‌توانیم حکم وظیفه والدین را در این عرصه را استفاده بکنیم و آن هم در واقع الزامی هست یعنی اگر بی‌توجهی به تعلیم و تربیت اجتماعی و سیاسی مقدمه و زمینه‌ای بشود که فرزندان ما در آینده مرتکب اعمالی بشوند و پا در مسیری بگذارند که موجب اختلال در زندگی اجتماعی مردم بشوند موجب هرج و مرج اجتماعی بشود و جامعه را به سمت ازهم‌گسیختگی بکشاند این کوتاهی حرام است و والدین اینجا از یک تکلیف الزامی خودشان تمرد کرده‌اند و کوتاهی کرده‌اند و این بحث وجوب حفظ نظام.

قاعده‌های دیگری هم داریم ؛ قاعده اعانه بر بِرّ قاعده حفظ علو و عزت مسلمانان، یکی از قواعدی که در حوزه فقه تعلیم و تربیت اجتماعی قابل توجه هست عزت و علو مسلمین و عزت مسلمانان هست که روایات مشهوری داریم که بر حفظ علو مسلمین که در واقع مسلمانان موظف هستند برای این‌که تلاش کنند تا فرد مسلمان و جامعه مسلمان و حکومت اسلامی بتواند آن عزت اسلامی را حفظ بکند و جایگاه و وجاهت آن محفوظ بماند.

آیه قرآن که می‌فرماید: ﴿**وَ لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكافِرينَ عَلَى الْمُؤْمِنينَ سَبيلاً**﴾[[1]](#footnote-1) بحث نفی سبیل یا قاعده نفی سبیل که اینجا مطرح است و همچنین روایت مشهوری از پیامبر خدا در این زمینه داریم که نهی می‌کند از بحث علو اسلام و مسلمین را مطرح می‌کند.

آن نکته را که می‌خواهیم عرض بکنیم این است که اگر اقتضای حفظ علو و عزت مسلمانان این باشد که والدین باید این روحیه حفظ عزت‌نفس و کرامت نفس و در واقع علو نفس را در کودکان خود پرورش بدهند و کودکان خود را آماده بکنند برای اینکه در مسیر حرکت بکنند و فعالیت‌های لازم را انجام بدهند حالا اگر این اقدامات تربیتی لازمه حفظ عزت مسلمان‌ها باشد وقتی حفظ عزت مسلمانان یک چیز واجبی هست آن اقدامات تربیتی هم به عنوان مقدمه واجب، واجب هست و والدین موظف هستند که بیایند در واقع در حدی که توان دارند و ما در واقع خدای متعال ﴿**لا مکلّف اللَّهُ نَفْساً إِلاَّ وُسْعَها**﴾[[2]](#footnote-2) بیش از حد توان هیچ تکلیفی را بر عهده هیچ کسی قرار نداده است اما در حد توان باید اقدامات لازم ر انجام بدهند و متوجه این تکلیف باشند که ما در قبال عزت اسلامی مسئول هستیم و برای این‌که مقدمات و زمینه آن فراهم بشود.

حالا قاعده‌های دیگری داریم مثل قاعده استقلال و خودکفایی، و دفاع از مسلمین و لزوم دفاع از کیان مسلمان‌ها قاعده لزوم اهتمام به امور مسلمان‌ها که در این خصوص روایت خاص داریم که می‌فرماید اگر کسی اهتمام به امور مسلمان‌ها نداشته باشد مسلمان نیست روایتی که سند آن به لحاظ اعتبار سندی قابل تأسی هست و در واقع اینجا وظیفه الزامی دارند مسلمانان در حوزه اهتمام به امور مسلمین و توجه به امور مسلمین و در قبال آن منع از بی‌تفاوتی نسبت به اینکه در جامعه اسلامی ما و در اطراف ما و در شهر ما چه اتفاقی می‌افتد و چه بر سر این جامعه می‌آید این ذیل قاعده اهتمام به امور مسلمین توجه به این موارد لازم است.

اگر لازم که اهتمام به امور مسلمین تربیت مناسب و مقتضی باشد به عنوان مقدمه این واجب والدین موظف هستند که فرزندان خودشان را آماده کنند روحیه در واقع بی‌تفاوتی در فرزندان خودشان در واقع ایجاد نکنند و در نقطه مقابل آن در واقع فضای توجه مسئولیت‌پذیری و اهتمام به در واقع مشکلات جامعه و توجه به مسئولیت‌های اجتماعی را پرورش بدهند .

قاعده لزوم عدالت و قاعده ولایت را داریم قاعده لزوم وعده صادق و وفاداری و قاعده لزوم اصلاح ذات البین

# سیره عقلا

اینها عناوینی بود که گذرا می‌خواستم از آن عبور کنم نکته اصلی که اینجا می‌خواهیم بپردازیم بحث سیره عقلا هست.

در حوزه تقسیم‌بندی ادله مطرح کردم که ما می‌توانیم ادله محل بحث را در چهار بخش مطرح بکنیم، ادله عامه، ادله تعلیمی و تربیتی، ادله تعلیمی، ادله تربیتی

در حوزه ادله تعلیمی و تربیتی یکی از دلایلی که ما می‌توانیم به لحاظ فقهی به آن استناد بکنیم سیره عقلا هست.

دلیل دیگر، نامه امیرالمؤمنین نامه سی‌ویک نهج‌البلاغه علی علیه‌السلام به امام حسن مجتبی علیه‌السلام

سیره حضرت لقمان در آن خطابی که نسبت به فرزند خود دارند در حوزه تربیت اجتماعی قابل استناد هست.

بخصوص بحث سیره عقلا را خدمت شما عرض می‌کنیم اگر فرصت شد فرازی از نامه حضرت علی علیه‌السلام خطاب به امام حسن علیه‌السلام را می‌گوییم.

ما برای اینکه به لحاظ فقهی بتوانیم به سیره عقلا استناد بکنیم و بر اساس مفاد سیره عقلا بتوانیم در واقع حکم فقهی بیان بکنیم که اعم از احکام خمسه تکلیفی وجوب، حرمت، استحباب، کراهت و اباحه ما اینجا استناد می‌کنیم این حکم را به دین به شریعت و به خدای متعال، بحث این است که چگونه بر اساس چه توجیهی ما می‌توانیم سیره با تکیه بر سیره عقلا بگوییم این حکم در واقع یک حکم الهی را می‌توانیم استفاده بکنیم .

# شروط سیره عقلا

## شرط اول؛ کشف موافقت شارع

این بحث سیره عقلا مستحضر هستید که چند تا شرط باید داشته باشد

حجیت سیره عقلا وابسته است به کشف امضاء و موافقت شارع، اگر سیره جاریه‌ای درباره عملکرد عقلا الان وجود دارد و عقلا عالم بر اساس آن عمل می‌کنند حالا ما می‌خواهیم از این سیره و بر مبنای این سیره حکم شرعی را استفاده بکنیم لازم است بتوانیم در واقع امضای شارع را در پای این سیره عقلا قرار بدهیم آیا ما می‌توانیم از این سیره عقلایی که مشاهده می‌کنیم امضای شارع را پای این عملکرد قرار بدهیم تقریر شارع و تأیید شارع را بگیریم یک فصل کشف امضا و موافقت شارع لازم است.

## شرط دوم؛ استمرار سیره

این سیره باید مستمر باشد تا زمان معصوم یعنی این اتصال و ارتباط عملی این سیره از زمان تا زمان معصوم در واقع قطع نشده باشد و ما بتوانیم درباره این در این استدلال بکنیم که این سیره مستمره بوده است جاریه بوده است و مقطعی نیست که در زمان ما باشد و در زمان دیگر نباشد

## شرط سوم؛ عدم ردع سوی شارع

عدم ردع و منعی از طرف شارع نباشد چه به صورت کلی و چه به‌صورت خاص ردع و منعی از ناحیه شارع درباره این سیره‌ای که مدنظر هست وارد نشده باشد.

حداقل با این شرایط سه‌گانه ما می‌توانیم به سیره عقلا به عنوان یک دلیل شرعی استناد بکنیم و حکم شرعی را مستند کنیم به این سیره‌ای که استفاده می‌کنیم.

### نکته دیگر در شرط عدم ردع

در ذیل عدم ردع شارع عرض می‌کنیم که اگر ما توانستیم در واقع عدم ردع شارع را درباره تنظیماتی که عقلای عالم در خصوص مسائل تنظیم روابط اجتماعی دارند استفاده کنیم این مفاد این سیره حکم شرعی می‌شود و ما می‌توانیم به آن استناد کنیم.

# چند محور مقدماتی در سیره عقلا

توصیه‌ای که در خصوص سیره عقلا در تربیت اجتماعی و سیاسی فرزندان می‌توانیم بدهیم این است که ما چند محور مقدماتی را عرض می‌کنم و سیره عقلا را تقریب می‌کنیم.

یک این است که به صورت کلی انسان یک موجودی هست که گرایشات اجتماعی دارد بعد بالفطره در وجود همه ما یک گرایشی به دیگران وجود دارد و علاوه بر این ما به صورت طبیعی نیازهایی داریم که این نیازها ما را به سمت اجتماع می‌کشاند و اقتضاء و ضرورت رفع این نیازها این است که به سمت اجتماع برویم یعنی بدون اینکه سراغ اجتماع برویم نمی‌توانیم نیازهای خودمان را برطرف بکنیم.

سوم این‌که عقلا عالم اعتراف و اذعان دارند که اهمیت در واقع مصالح نسبت به اهمیت مصالح اجتماعی و در واقع آن حس کمال طلبی اجتماعی انسان یعنی این انسان که بالفطره موجود اجتماعی هست بالضروره باید برای رفع نیازها سراغ اجتماع برود یکی از ابعاد کمال انسان آن کمالاتی هست که در اجتماع این انسان می‌تواند برای حصول و دستیابی این کمالات در واقع اقدام بکند یعنی اگر ما ...

عرض کردیم عقلا عالم اذعان می‌کنند که در حوزه در حین ارتباط با دیگران در واقع بسیاری از یک جهت وجودی خاصی در ما در حال رشد و اعتلا هست اگر این جهت ارتباطی را از انسان حذف بکنیم در واقع بخشی از کمالات انسان در واقع اینها رشد نکرده و نهفته باقی می‌ماند.

نکته بعدی این است که اگر بخواهیم رشد این بعد کمالی انسان هم به لحاظ نظری یک اقتضایی دارد و هم به لحاظ عملی.

به لحاظ نظری ما باید چهارچوب و مقرراتی را در حوزه اجتماع تنظیم بکنیم در واقع بین افراد تضاد و منافعی که افراد می‌توانند از آن بهره‌مند بشوند در اجتماع بینشان تضاد و تزاحم به وجود می‌آید برای اینکه حدود ارتباطات سالم اجتماعی مراعات بشود لازم است که مقرراتی و قوانینی وضع بشود

و در بعد عملی افراد برای مراعات اینها آمادگی داشته باشند به نحوی که زمینه اعتلای اجتماعی فراهم بشود

پس برای اینکه مفاسد اجتماعی پیش نیاید و زمینه اعتلای اجتماعی پیش بیاید موظف هستیم به سمتی برویم که مقررات و قوانینی را وضع بکنیم که اینها لازم الرعایه هستند

قدم بعد این است که اصلاً علاوه بر این فراتر از اینکه اعتلا و کمال انسانی در اینجا محقق می‌شود ما می‌توانیم آن هرج و مرج و لازمه بی‌توجهی به این مقررات اجتماعی و بی‌توجهی به این حدود و حریم اجتماعی را مدنظر قرار بدهیم یعنی جانب مقابل که اگر در واقع این حدود و مقررات رعایت نشود و اگر التزامی به قوانین و نظم وجود نداشته باشد هرج و مرج، فساد، ناامنی و ازهم‌گسیختگی کیان اجتماع

تمام اینها در واقع مرجوح هستند و مورد سرزنش هستند و عقلای عالم در واقع هر قدمی و اقدامی را که به این سمت برود را مذمت می‌کنند و در این مذمت عقلا می‌تواند برای استفاده حکم شرعی به ما کمک بکند.

# بیان مقدمه در قالب استدلال

این استدلال را که گفتم در قالب استدلال بیان می‌کنم

اولاً انسان بالفطره موجود اجتماعی است و بالضروره برای رفع بسیاری از نیازهای خود لازم است به دیگران مراجعه بکند و یک بعدی از کمالات انسان آن کمالاتی است که در ارتباط با دیگران می‌تواند زمینه تحول و صعود را فراهم کند

نکته دوم این است که عقلای عالم در طول تاریخ از دغدغه‌هایشان این بوده است که برای اصلاح امور اجتماعی و برای زمینه‌سازی برای پیشرفت اجتماعی و دفع مفاسد اجتماعی به تنظیم حدود و مقررات و مسئولیت‌های اجتماعی در واقع اقدام کردند و در این زمینه در واقع عوامل مختلف را مسئول و موظف می‌شمارند و از جمله آنها از نگاه عقلای عالم والدین هستند و عرض کردیم چرا والدین در این زمینه بخصوص مسئولیت دارند چون والدین هستند که در مدت مدیدی فرزندان در کنار آنها هستند فرزندان از جنبه‌های مختلف وابسته به والدین هستند و اصلاً تولد آن حس اجتماعی فرزندان در خانواده اتفاق می‌افتد در دامان پدر و مادر، در واقع آن حس اجتماعی کودک متولد می‌شود و رشد پیدا می‌کند و اینجا والدین یک نقش و موقعیت ویژه‌ای دارند و این علاقه غریزی کودک را می‌توانند در مسیر صحیح و به سمت تعالی و کمال سوق بدهند و برعکس آن.

بنابراین موقعیت ویژه‌ای را والدین در اختیار دارند و در نهایت مکلف هستند از نگاه عقلا به این مسئله به صورت ویژه‌ای توجه کنند و آن فضای امنیت اجتماعی و سلامت اجتماعی و التزام به مسئولیت‌های اجتماعی مرتبط هست و در واقع مبتنی هست بر اقدامات تربیتی والدین.

نکته بعد این است که ما تا اینجا از سیره عقلا که والدین را موظف می‌دانند می‌توانیم حکم الزامی استفاده بکنیم یا خیر؟ خیر

ما با اتکاء به این بیانی که عرض کردیم یعنی سیره عقلا ابتدائاً و اساساً فقط مفید یک حکم اباحه و جواز هست یعنی بیش از جواز نمی‌توان از سیره استفاده کنیم مگر به کمک قرائنی که عرض می‌کنم که پیش از این هم عرض کردیم.

اگر ما ملاحظه کنیم که بی‌توجهی به مسئولیت پرورش این روحیه مسئولیت‌پذیری، بی‌توجهی به روحیه توجه به مشارکت در امور اجتماعی، بی‌توجهی به مسئولیت در زمینه مصالح اجتماعی و حکومتی، زمینه هرج و مرج، ناامنی، فساد را ایجاد می‌کند این عواقب زمینه مذمت عقلا را در پی دارد این زاویه را می‌توان گفته که والدین واجب است الزام می‌شوند به توجه به مسائلی که فرزندانشان را که از این عواقب منع می‌کنند و پیشگیری می‌کند و در واقع می‌روند به سمتی که زمینه فراهم بشود برای اعتلای اجتماعی، امنیت اجتماعی و حضور مؤثر و فعال آنها در فضای اجتماع.

این بحث در واقع مسئله وظیفه‌مندی والدین در حوزه تربیت اجتماعی از نگاه فقهی به این مسئله توجه کردیم اگر سؤال باشد خدمت شما هستیم.

# پاسخ به سؤالات

گفتیم که ما درباره سیره می‌توانیم این را یعنی قابل‌پذیرش هست که بگوییم این سه تا شرط درباره سیره قابل تحقق هست یعنی بگوییم این سیره مستمره هست تا زمان معصوم علیه‌السلام هم این سیره بوده است و ردع و منعی هم راجع به این سیره از جانب معصوم علیه‌السلام به ما نرسیده است و ما می‌توانیم به این سیره تمسک بکنیم.

در خصوص تقسیم‌بندی که خدمت شما عرض کردم ادله محل بحث وظیفه والدین در تربیت اجتماعی و سیاسی را می‌توان دسته‌بندی کرد به ادله مطلق، مثل قاعده حفظ نظام که این ادله مطلق در واقع مربوط می‌شود در فضای دیگر غیر از تربیت سیاسی و اجتماعی ما می‌توانیم به قاعده حفظ نظام تمسک کنیم ولی یکی از مصادیق آن قطعاً بحث تربیت اجتماعی و سیاسی است علاوه بر آن در حوزه و بخش دیگری از ادله، ادله تعلیمی و تربیتی داریم یعنی در این اله هم وجه آموزشی و هم وجه تربیتی در کنار هم قابل توجه هست مثل سیره عقلا، در خود مصداق ممکن است محل بحث باشد

اما اصل بحث این است که تعلیمی و تربیتی است و یک سری از ادله داریم که وجه تعلیمی داریم مثل قاعده ارشاد جاهل که فقط بحث تعلیم هست و بحث تربیت مطرح نیست و بعضی از قواعد را می‌توان استناد کرد که وجه تربیتی دارند مثل قاعده هدایت که در هدایت در واقع توجه بیشتر به جانب تربیت و پرورش روحی و راهنمایی هست و آن جنبه آموزشی کم‌رنگ می‌شود.

عام و مطلق را یک معنا اراده می‌کنیم یعنی ادله عامه یا قواعد مطلق، شمول این ادله در واقع عام هست بر تمام ساحت‌ها یعنی هم از مطلق و عام اینجا یک معنا را اراده می‌کنیم.

1. - سوره نساء، آیه 141 [↑](#footnote-ref-1)
2. - سوره بقره، آیه 286 [↑](#footnote-ref-2)